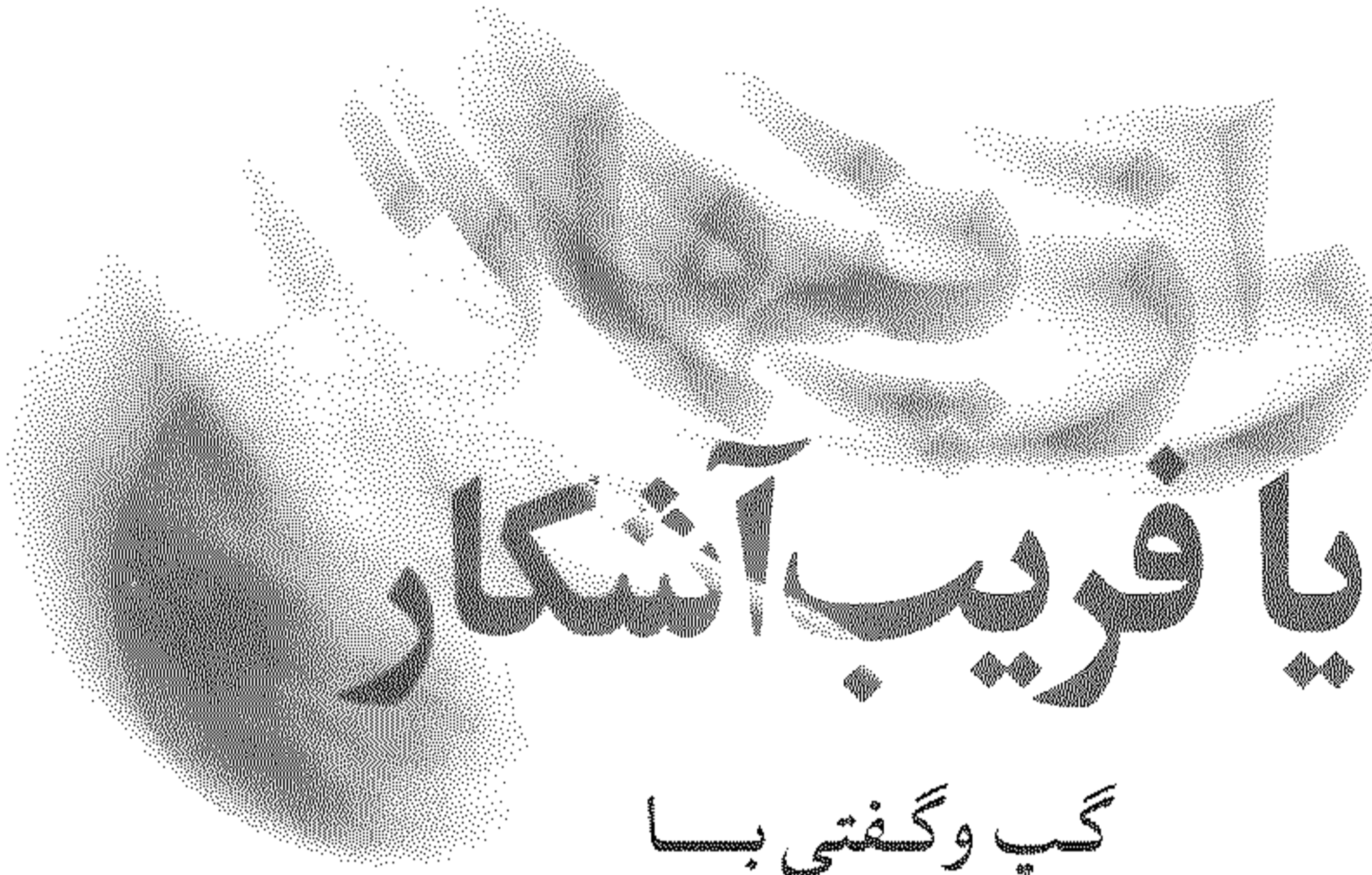


راز دین پر جانان یا فریب آشکار

گپ وگفتی با
انصار احمد بصری

به راویت: محمد حسن بشیری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



گپ وگفتی با
انصار احمد بصری

به روایت محمد حسن بشیری

سرشناسه: بشیری، محمد حسن، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور: راز پنهان یا فریب آشکار: گپ و گفتی با انصار احمد بصری / به روایت
محمد حسن بشیری؛ ویراستار رامین باباگل زاده.
مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۵۶ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱ س. م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۱۴۰-۸-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر: گپ و گفتی با انصار احمد بصری.
موضوع: البصری، احمد بن اسماعیل، ۱۹۷۰- م.
موضوع: مهدویت -- مدعیان *Claimers -- Mahdism
شیعه -- دفاعیه ها -- Apologetic works -- Shīah
رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۶
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۳۲۷۹۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

راز پنهان یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

نویسنده: محمد حسن بشیری
ویراستار: رامین باباگل زاده
ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
چاپخانه: بوستان کتاب
نوبت چاپ: اول / بهار ۱۴۰۱
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۱۴۰-۸-۶
قیمت: ۲۴,۰۰۰ تومان

قم: خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بین بست شهید علیان / پ: ۲۶ /
تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰-۱ / ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳ /
تهران: خیابان طالقانی / میدان فلسطین / شماره ۳۸۷ / تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۰۰۰۵۹
www.mahdaviat.ir
info@mahdaviat.ir
Entesharatbonyad@chmail.ir

دفاتر بنیاد حضرت مهدی موعود (عج) در استان‌ها پاسخگوی
درخواست‌های متقاضیان کتاب و محصولات فرهنگی بنیاد و مرکز
تخصصی مهدویت می‌باشد.

فهرست مطالب

۶ بهانه گفت و گو
۸ وصیت پیامبر ﷺ
۱۶ سه جمله عجیب!
۱۹ رضایت خدا از دین کامل
۲۳ حجت باطنی
۲۵ حدیث لوح؛ حدیثی برای تمام عمر
۲۸ دین مورد تأیید امام هادی <small>علیه السلام</small>
۳۰ امام سیزدهم!
۳۳ دوازده مهدی
۳۷ مقابله فقها و مردم با امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۳ کتاب جدید
۴۶ غربت اسلام
۴۸ و اما خواب!
۵۲ چرا تقلید؟
۵۶ کتاب نامه

راز پنجم یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

بهانه گفت و گو

در روزهایی که بازار تبریک عید غدیر داغ بود، تلفنم به صدا درآمد؛ اما این بار نه فقط برای تبریک. پشت خط، یکی از رفقای قدیمی ام بود؛ سید حسین. بعد از احوال پرسی گفت:

«دوستی دارم که حرف‌های عجیبی می‌زند؛ حرف‌هایی که تا حالا از کسی نشنیده‌ام!»

بخشی از حرف‌ها را برایم تعریف کرد: «مردم تصور می‌کنند برخی نگذاشتند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پایان عمر شریفشان وصیتی برای سعادت امت بنویسند؛ اما ایشان وصیت‌نامه را نوشتند و در آن به موضوع مهمی اشاره کردند؛ این‌که بعد از دوازده امام، دوازده "مهدی" وجود دارد و اولین آن دوازده مهدی، فرزند امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و همان "یمانی" است که در آخرالزمان ظهور می‌کند. عجیب این‌که، اکنون ظهور کرده و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام او را در همین دوران غیبت کبری^۱ به عنوان وصی و نماینده خاص

۱. «یمانی» یکی از نشانه‌های ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده: «خُمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الْيَمَانِيِّ وَ السُّفْيَانِيُّ وَ الْمُتَّادِيُّ يُسَادِي بَيْنَ السَّمَاءِ وَ خَسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزُّكِّيَّةِ»؛ کمال الدین و تمام النعمه، باب ما روی فی علامات خروج القائم، ح ۱، برای مطالعه بیشتر می‌توان به دو کتاب روایات الیمانی؛ عرض و نعت شیخ نجم الدین طوسی و تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور نصرالله آیتی مراجعه کرد.

۲. حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دو غیبت دارند؛ یکی کوتاه (صغری) از سال ۲۶۰ تا سال ۳۲۹ هجری که آخرین نایب خاص از دنیا رفت و دیگری غیبت بلند (کبری) که از سال ۳۲۹ هجری آغاز شده و همچنان ادامه دارد. در برخی نقل‌ها از غیبت کبری به «غیبت تامه» نیز تعبیر شده است.

راز پنهان یافرب اسکار

گیب و کنفی با انصار احمد بصری

خود به سوی مردم فرستاده و مردم را به پیروی از خود دعوت می‌کند.»

حق داشت تعجب کند؛ سخنان تازه‌ای بود. بالأخره ما در فضاهای دینی رشد کرده بودیم و تقریباً از موضوعات مهم دینی مطلع بودیم. ادامه داد: «رفیقم می‌خواهد این مطالب را که به اعتقاد خودش، علمای دین از مردم مخفی نگه داشته‌اند، در میان دوستان و هم‌شهریانش بازگو کرده، دیگران را با خود همراه کند؛ اما من به او گفتم: اول باید از درستی این حرف‌ها مطمئن شویم. آخر، ادعای خیلی بزرگی است! این که ممکن است مطالبی در دین وجود داشته باشد که علمای دین، آن‌ها را از مردم مخفی کرده باشند. این که فرزند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، یاران خود را برای گرفتن بیعت برای پدرش میان ما فرستاده؛ اما علما با این که از جریان اطلاع دارند، آن را انکار می‌کنند. حالا چرا؟ خدا می‌داند!»

قرار شده بود مدتی صبر کند تا درباره آن مطالب بیشتر تحقیق کنند. برای همین، از من خواست قراری بگذاریم تا با رفیقش بنشینیم و گفت‌وگو کنیم.

اتفاقاً این حرف‌ها برای من تازه‌گی نداشت. از آنجا که در کنار مطالعات و تحقیقات دینی‌ام، درباره این موضوع نیز مطالعاتی داشتم، قبول کردم و قرار شد با او آشنا شویم و سخنانش را بشنویم. چون می‌دانستم از روایات استفاده می‌کند، به یکی از دوستانم که تحصیلات عالی حدیثی داشت، اطلاع دادم و از او خواستم تا مرا در

راز پنهان یافرب اسکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

این جلسه همراهی کند. او نیز بزرگوارانه پذیرفت.

روز موعود فرا رسید. من و دوستم سرِ قرار حاضر شدیم. سید حسین هم به همراه رفیقش احمد، پیش از ما آمده بودند. بعد از آشنایی با یکدیگر و کمی تعارف، رفتیم سر اصل مطلب.

وصیت پیامبر ﷺ

نخستین مسئله‌ای که مطرح شد، جریان وصیت پیامبر ﷺ بود. احمد گفت: «به نظر شما پیامبر ﷺ در پایان عمرشان، وصیت کردند یا خیر؟»

گزارش‌های تاریخی رویداد تلخی^۱ را حکایت می‌کنند. رسول خدا ﷺ در بستر بیماری هستند. ناگهان به اطرفیان‌شان توجه کرده، می‌فرمایند: «کاغذ و قلم بیاورید تا چیزی برایتان بنویسم.» برخی از حاضران مانع این کار شدند. میان حاضران بگومگویی درگرفت. پیامبر ﷺ که آزرده خاطر شده بودند، عذر ایشان را خواستند؛ در نتیجه، آن‌ها از نزد پیامبر بیرون آمدند، در حالی که خواسته رسول خدا ﷺ برآورده نشد.

اگر به شما نشان دهم که پیامبر ﷺ وصیت کردند، چه می‌گویید؟

گرچه تعجب کرده بودیم، جواب ما روشن بود: «اگر گزارش معتبری بر این جریان دلالت کند، می‌پذیریم. وصیت کردن برای کسی که می‌فهمد به پایان عمر خود نزدیک شده، کاملاً طبیعی

۱. این رویداد در تاریخ و سیره، با نام «حدیث قرطاس» شناخته می‌شود.

راز پنجمان یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

است. کسی که در مقام وصیت کردن باشد، مطالب مهمی را بیان خواهد کرد. حال، شما رسول خدا ﷺ را با همه خصوصیاتش در نظر بگیرید؛ ایشان اگر وصیتی کرده باشند و به دست ما رسیده باشد، بی حرف و حدیث می‌پذیریم.»

- شیخ طوسی^۱ حدیث وصیت را در کتاب *الغیبة* آورده است. رسول خدا ﷺ در آن شبی که رحلت کردند، به علی علیه السلام فرمودند: «ای ابوالحسن! کاغذ و قلمی آماده کن.» آن‌گاه رسول خدا ﷺ وصیتشان را املا کردند: «... ای علی! بعد از من، دوازده امام و بعد از ایشان، دوازده مهدی خواهد آمد. ... وقتی وفات امام دوازدهم فرا رسد، امامت را باید به فرزندش تسلیم کند. این فرزند سه نام دارد: هم‌نام من است؛ یعنی "احمد". هم‌نام پدر من است؛ یعنی "عبدالله". و نام سوم او "مهدی" است.»

اگر داستان به همین جا ختم می‌شد، طوری نبود؛ اما تمسک به این روایت آغاز یک جریان بود.

احمد ادامه داد: «پیامبر ﷺ در وصیت پایانی‌شان به موضوع بسیار مهمی اشاره کردند. آن کسی که در این روایت به عنوان اولین مهدی معرفی شده و سه نام دارد، ظهور کرده است. وی فرزند امام

۱. ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به «شیخ الطائفة» (۳۸۵-۴۶۰ ق)، از بزرگان مکتب اهل بیت علیهم السلام در قرن پنجم هجری است. وی آثار ارزشمندی در تفسیر، حدیث، کلام، اصول فقه و فقه دارد. یکی از آن‌ها کتاب *الغیبة* است که به مسئله مهدویت و به ویژه جریان غیبت اختصاص دارد. همچنین *تهذیب الأحکام و الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار*، دو کتاب از کتاب‌های اربعه شیعه امامیه است که به دست شیخ طوسی رحمته الله تألیف شده است.

راز پنهان یافرب اسکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

زمان رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْكَ است؛ البته فرزندِ باواسطه. او هم چنین همان "یمانی" است و باید به او ایمان آورد؛ چراکه ایمان نیاوردن به او، به معنای خروج از ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است.»
سخن از ایمان آوردن و پذیرشِ یک ادعاست؛ پس باید با دقت بیشتری به مسئله توجه می‌کردیم. برای همین از احمد خواستیم که بیشتر توضیح بدهد.

... آیه ۱۸۰ سوره بقره، وصیت کردن هنگام مرگ را واجب کرده است:
«كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»؛ هرگاه مرگ کسی از شما فرارسید، اگر مالی بر جای گذاشت، بر شما مقرر شده که برای پدر و مادر و نزدیکان به شایستگی وصیت کند که این سزاوار پرهیزگاران است.
دو واژه «كُتِبَ» و «حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» بر این حکم دلالت دارند.
روا نیست پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان صاحب شریعت به این تکلیف عمل نکنند؛ زیرا ترک وصیت به معنای مخالفت صریح با کتاب خداست و مخالفت با کتاب خدا، قبیح و زشت است. اما خیری که از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باقی مانده، منصب خلافت الهی در زمین است. این منصب بعد از رسول خدا بر عهده دوازده امام است و بعد از ایشان، بر عهده دوازده مهدی قرار داده می‌شود.

نحوه استدلال احمد به این آیه، جالب بود. گرچه واژه «كُتِبَ» به معنای نوشته شدن است، همیشه به معنای تکلیف واجب نیست.

راز پنهان یافرب اشکار

گپ و گفتنی با انصار احمد بصری

دو آیه قبل از این آیه، یعنی آیه ۱۷۸، به مسئله «قصاص» اشاره دارد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ
الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ
مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ
ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ
فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! درباره
کشتگان بر شما قصاص مقرر شد؛ آزاد در برابر آزاد، بنده
در برابر بنده، و زن در مقابل زن. پس هر که از سوی
برادرش بخشیده شد، باید به شایستگی پیروی کند و
خون بهار را به نیکی ادا کند. این تخفیف و رحمتی از
جانب پروردگارتان است و هر که پس از آن تجاوز کند،
اورا عذاب دردناکی خواهد بود.

در این آیه نیز از کلمه «كُتِبَ» استفاده شده؛ اما اجرای قصاص
واجب نیست. کسانی که حق قصاص دارند، می‌توانند از حقشان
بگذرند و به جای آن، دیه بگیرند. در خصوص وصیت کردن نیز
داستان از این قرار است؛ یعنی نوشتن وصیت، واجب شرعی نیست
که اگر کسی وصیت نکرد، مرتکب گناه شده و در قیامت مؤاخذه
شود. مراد از «خیر» در آیه، دارایی‌های انسان است. اگر انسان
اموالی داشت، حق دارد برای والدین و نزدیکان خود وصیت کند.
این حق برای انسان نوشته شده، اما واجب نیست. با این توضیح،
حق بودن آن هم روشن می‌شود؛ انسان می‌تواند از حق خود صرف
نظر کند. پس این آیه بر وجوب نوشتن وصیت دلالت ندارد. خیلی

راز پنجمان یافرب آشکار

گپ و گفنی با انصار احمد بصری

روشن است که «امامت» منصبی الهی است و جزء دارایی‌های انسان نیست که درباره آن وصیت کند.

- علاوه بر این آیه، روایات فراوانی داریم که بر صدور وصیت از پیامبر ﷺ تأکید می‌کند. امام باقر علیه السلام فرمود:

«الْوَصِيَّةُ حَقٌّ، وَقَدْ أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَيَتَّبِعِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يُوصِي»؛^۱ وصیت کردن، حق است. رسول خدا ﷺ هم وصیت کردند؛ پس سزاوار است که مسلمان نیز وصیت کند.

روایت دیگری از امام صادق علیه السلام داریم که می‌فرماید:

«أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى عَلِيٍّ وَوَحَّدَهُ وَ أَوْصَى عَلِيٌّ إِلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ جَمِيعًا...»^۲؛ پیامبر ﷺ فقط به علی علیه السلام وصیت کردند و علی علیه السلام هم به امام حسن علیه السلام و هم به امام حسین علیه السلام وصیت کردند.

- آنچه درباره آیه وصیت گفته شد، در خصوص این روایات نیز تکرار می‌شود. وصیت در سخن امام باقر علیه السلام به عنوان «حق» شناخته شده و این که شایسته است مسلمان وصیت کند. از همین عبارت فهمیده می‌شود که چرا فقیهان در طول تاریخ از این روایات، وجوب نوشتن وصیت را استنباط نکرده‌اند. شیخ حر عاملی^۳ در وسائل الشیعه هنگام تنظیم روایات مربوط به وصیت،

۱. الکافی، کتاب الوصایا، باب الوصیة و ما أمر بها، ح ۵.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۷.

۳. شیخ محمد بن حسن حر عاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق) از محدثان قرن یازدهم هجری است. کتاب وسائل الشیعه او مشتمل بر بخش زیادی از روایات فقهی مکتب اهل بیت علیهم السلام است.

راز پنجمان یا فریب آشکار

گپ و گفنی با انصار احمد بصری

این روایت را در بابی قرار می‌دهد که عنوان آن قابل توجه است: «باب وجوب وصیت کردن بر کسی که حقی بر عهده دارد یا حقی دارد و استحباب وصیت کردن برای دیگران».

- روایتی در الکافی^۱ داریم که از امیرالمؤمنین علیه السلام به «کاتبِ

وصیت» تعبیر شده است:

«... أَلَيْسَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَاتِبَ الْوَصِيَّةِ وَ رَسُولُ اللَّهِ

الْمُثَلِّي عَلَيْهِ وَ جَبْرَائِيلُ وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ شُهُودًا؟ قَالَ

فَأُطْرَقَ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ قَدْ كَانَ مَا قُلْتَ...»^۲؛

... آیا امیرالمؤمنین علیه السلام نویسندۀ وصیت، رسول

خدا صلی الله علیه و آله املاکنده، و جبرئیل و ملائکه مقربین شهود

نبودند؟! حضرت مدتی سر به زیر انداخت و سپس

فرمود: «چنان بود که گفنی ای ابا الحسن!...»

- بر اساس این روایت، امام کاتبِ وصیت است؛ اما در همین

روایت، وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود دارد. در این وصیت، به

ظلم‌هایی که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام

می‌شود و نیز به صبرِ امام اشاره شده است.

تمام تلاش شما برای این است که اول اثبات کنید نوشتنِ وصیت

واجب است؛ پس رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز باید وصیت نوشته باشند.

۱. الکافی از کتاب‌های حدیثی معتبر نزد پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام و یکی از کتب اربعه شیعه امامیه است. این کتاب به دست ثقة الاسلام کلینی (۳۲۹ق) و در سه بخش «اصول»، «فروع» و «روضه» تألیف شده است.

۲. الکافی، کتاب الحجّة، باب أن الأئمة لم يفعلوا شيئاً ولا يفعلون إلا بعهد من الله عز و جل و امر منه لا يتجاوزونه، ح ۴.

راز پنهان یا فریب آشکار

گپ و گفنی با انصار احمد بصری

حال آن که از این دلایل، وجوب وصیت نوشتن به دست نمی آید. بسیار خوب! به روایاتی می پردازیم که بر نوشته شدن وصیت صراحت دارند. سلیم بن قیس^۱ در کتابش روایت مفصلی را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که امام ضمن آن، جریان درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله برای نوشتن وصیت و مخالفت برخی افراد حاضر را به یاد طلحه می آورند. سپس امام علیه السلام تصریح می کنند وقتی که شما از کنار پیامبر رفتید، پیامبر صلی الله علیه و آله مرا نسبت به آنچه می خواستند در وصیت بنویسند، مطلع کردند:

«... إِنَّكُمْ لَمَّا خَرَجْتُمْ أَخْبَرْتَنِي [بِذَلِكَ رَسُولِ اللَّهِ وَ] بِالَّذِي أَرَادَ أَنْ يَكْتُبَ فِيهَا وَأَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهَا الْعَامَّةُ فَأَخْبَرَهُ جِبْرَائِيلُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ عَلِمَ مِنَ الْأُمَّةِ الْإِخْتِلَافَ وَالْفُرْقَةَ ثُمَّ دَعَا بِصَحِيفَةٍ فَأَمَلَى عَلَيَّ مَا أَرَادَ أَنْ يَكْتُبَ فِي الْكِتَابِ وَأَشْهَدَ عَلَى ذَلِكَ ثَلَاثَةَ رَهْطٍ سَلْمَانَ وَأَبَا ذَرٍّ وَالْمُقَدَّادَ وَ سَمَّى مَنْ يَكُونُ مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَسَمَّانِي أَوْلَهُمْ ثُمَّ ابْنِي [هَذَا وَأَدْنَى بِيَدِهِ إِلَى] الْحَسَنِ ثُمَّ الْحُسَيْنِ ثُمَّ تِسْعَةَ مِنْ وُلْدِ ابْنِي هَذَا يَعْنِي الْحُسَيْنِ...»^۲؛ همین که شما خارج شدید، رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر دادند که چه چیزی می خواستند در وصیت بنویسند

۱. ابوصادق سلیم بن قیس هلالی کوفی عامری (حدود ۸۵ق) از خواص اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام تا امام باقر علیه السلام است. او کتابی مشهور داشته است که به نام خودش شناخته می شود. البته کتاب شناسان در این که آیا کتابی که الآن از سلیم بن قیس در اختیار ما قرار دارد، همان کتابی است که او تألیف کرده، اختلاف نظر دارند. این اختلاف، بیشتر درباره گزارش هایی است که فقط در کتاب سلیم بن قیس وجود دارد.

۲. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۶۵۸.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

و همه را بر آن شاهد گرفتند. جبرئیل به ایشان خبر داد که خدا به اختلاف و جدایی امت آگاه است. سپس صحیفه‌ای طلب کردند و آنچه می‌خواستند، بر من املا کردند و سلمان، ابوذر و مقداد را گواه گرفتند. در ادامه، نام ائمه هدی را، که خدا به اطاعت ایشان تا روز قیامت دستور داده، بیان فرمودند؛ اول مرانام بردند، سپس این فرزندانم حسن و بعد از آن حسین و نه فرزند از فرزندانم حسین را نام بردند....

از این روایت فهمیده می‌شود وصیتی نوشته شده و در آن به دوازده امام اشاره شده است. این وصیت، همان وصیتی است که شیخ طوسی رحمته الله علیه نقل کرده است.

- این دو متن با هم فرق دارند. شما چطور می‌توانید اثبات کنید

که این همان است؟

- چه فرقی دارند؟

- خیلی واضح است. در این روایت خبری از دوازده مهدی نیست؛ اما در روایت شیخ طوسی که شما استناد می‌کنید، دوازده مهدی وجود دارد. اینک ما می‌پرسیم: چرا جریان «دوازده مهدی» در روایت سلیم بن قیس نیامده؟ بعد از برخورد ناشایستی که با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره نوشتن وصیت شد، نوشتن وصیت، دیگر فایده‌ای نداشت. بر فرض که پیامبر وصیتشان را نوشته باشند، روی چشم ما؛ حالا شما اثبات کنید روایت شیخ طوسی همین روایت است. ادامه همین روایت است که شیخ نقل کرده، اما سلیم نقل

راز پنهان یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

نکرده است. مطلب دیگر این که، روایت مذکور فقط در کتاب سلیم بن قیس آمده و درباره این گونه روایات میان دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد.

- این روایت در کتاب های دیگر مثل غیبت نعمانی^۱، احتجاج طبرسی^۲ و بحار الأنوار مجلسی^۳ نیز نقل شده است.
- همین طور است؛ اما همه از کتاب سلیم بن قیس نقل کرده اند و طریق جداگانه ندارند.

سه جمله عجیب!

دقت های حدیثی ما سبب شد با این سخن احمد مواجه شویم:
«یعنی شما روایات را قبول ندارید؟ هر روایتی را که برایتان نقل می کنم، به آن ایراد می گیرید.»

- به جای خوبی رسیدیم. آیا هر روایتی صحیح است و باید آن را پذیرفت؟ حدیث ثقلین را به یاد می آورید؟ کتاب و عترت، دو چیز ارزشمندی است که از رسول خدا ﷺ به جا ماند. توجه دارید آنچه در کنار قرآن آمده، عترت است، نه روایت. مقصود و مراد

۱. «ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی» معروف به «ابن ابی زینب» از دانشمندان قرن چهارم هجری است. گفته شده وفات او پس از سال ۳۴۲ هجری بوده است. غیبت نعمانی، مشهورترین اثر او و در موضوع مهدویت است.

۲. «ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب» از دانشمندان قرن ششم هجری است. وی صاحب تألیفاتی از جمله کتاب الاحتجاج علی أهل اللجاج است.

۳. علامه محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق) از دانشمندان بزرگ قرن یازدهم هجری است. او با تألیف آثار گراسنگی چون بحار الأنوار و مرآة العقول نقش بسزایی در حفظ تراث اسلامی ایفا کرده است.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتنی با انصار احمد بصری

«عترت»، از طریق روایت و حدیث به دست می‌آید. حدیث در طول تاریخ با مشکلاتی چون: نقل به معنا، مسئله تقیه، روایات متعارض و از همه بدتر، جریان جعل حدیث مواجه بوده است. مجموعه‌ای از دانش‌ها مانند کلام، اصول فقه، رجال، درایه و فقه الحدیث، برای حل این مسائل تدوین شده است.^۱

- بیشتر این دانش‌هایی که نام بردید، بدعت^۲ است.

از این سخن جا خوردم! برای همین پرسیدم: «یعنی چه؟»

- فلسفه و کلام حرام است، رجال و بررسی‌های سندی بدعت است و تقلید هم جایز نیست!

از شنیدن این سه جمله به خود لرزیدم. سه جمله‌ای که با وجود کوتاهی، گویای حقیقت مطلب است. در این فکر بودم که با تحریم عقل از سویی، بدعت دانستن علوم حدیث از سوی دیگر، و ممنوع کردن تقلید چه هدفی را دنبال می‌کند؟ گرچه می‌دانستیم که در سند روایت شیخ طوسی، سه نفر (علی بن سنان الموصلی، احمد بن محمد بن خلیل و جعفر بن احمد المصری) هستند که مجهولند و ناشناس؛ به دلیل انکار علوم حدیث از سوی احمد، از

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب تاریخ حدیث استاد کاظم مدیرشانه چی و کتاب آشنایی با علوم حدیث علی نصیری مراجعه کنید.

۲. «بدعت» در لغت به معنای چیز «نو» و در اصطلاح دینی عبارت است از: اضافه کردن چیزی که از دین نیست به دین و یا خارج کردن چیزی که از دین است. به تعبیر دیگر، کم و زیاد کردن در حوزه دین بدون دلیل معتبر، بدعت نامیده می‌شود. برای اطلاع بیشتر می‌توان به مدخل «بدعت» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی و دانشنامه جهان اسلام مراجعه کرد.

راز پنهان یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

بررسی‌های سندی صرف نظر و به محتوای روایت توجه کردیم. از این‌رو از احمد پرسیدم: «اصلاً پیامبر ﷺ می‌خواستند به چه چیزی وصیت کنند؟ آیا موضوع جدیدی بوده؟»
- شاید باشد.

- و آن موضوع جدید چیست؟

- شاید می‌خواستند ولایت دیگری را مطرح کنند!

جریان «یمانی» برای احمد بسیار اهمیت داشت؛ برای همین گفت: «به نظر شما امکان دارد پیامبر ﷺ مسئله بسیار مهمی را هنگام رحلت بیان کرده باشند؟»

جواب این پرسش، یک کلمه‌ای نبود که بگوییم بله یا خیر؛ برای همین گفتیم: «چطور مسئله‌ای؟ آیا پیامبر ﷺ این مسئله بسیار مهم را برای نخستین بار مطرح کرده یا بر موضوعی پیش‌گفته تأکید فرمودند؟»

- مسئله اشاره به دوازده مهدی پس از امام زمان و معرفی اولین آن‌ها، برای نخستین بار در حدیث وصیت مطرح شده است.

- یعنی شما می‌خواهید بگویید در این وصیت ادعایی (!) چیزی هست که پیامبر ﷺ پیش از این به آن اشاره نکرده‌اند؟
- بله.

- عجب! این سخن با جریان غدیر خم و نزول آیه «اکمال دین» هماهنگ نیست.

- چطور؟

راز پنهان یاقرب اشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

رضایت خدا از دین کامل

– مواردی در تاریخ وجود دارد که پیامبر ﷺ به سبب اهمیت آن‌ها چندین بار بیان کرده‌اند. «حدیث ثقلین» نمونه‌ای از آن‌هاست. اما بیان مسئله‌ای بسیار مهم در لحظات پایانی عمر مبارک رسول خدا ﷺ برای نخستین بار ممکن نیست. آیه «اکمال دین» بر این مطلب دلالت دارد. مسلمانان به همراه پیامبر ﷺ مناسک حج را به جای آورده و در راه بازگشت به دیار خود هستند. آیه‌ای نازل شد و از پیامبر خواست تا موضوع مهمی را اعلام کند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده را ابلاغ کن؛ و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای، و خدا تو را از مردم حفظ می‌کند. همانا خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

موضوع به اندازه‌ای مهم است که معادل رسالت پیامبر ﷺ قرار گرفته است. ایشان علی بن ابی طالب عليه السلام را جانشین خود و «امیر مؤمنان» معرفی کردند و فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلِيٌّ مَوْلَاً»^۱؛ هر کس که من مولای اویم، علی نیز مولای اوست.

بعد از مراسم معارفه، آیه‌ای دیگر بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد:

۱. مائده: ۶۷.

۲. الکافی، کتاب الحجّة، باب ما نصّ الله عزوجل ورسوله على الأئمة واحداً فواحداً، ح ۱.

راز پنهان یا فریب آشکار

گپ و گفتنی با انصار احمد بصری

«... الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ
اخْتَشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ
رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا...»؛ امروز (و پس از این واقعه)
کافران از دین شما مأیوس شدند؛ پس، از ایشان
نترسید و فقط از من بترسید. امروز دین شما را کامل
و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین،
برای شما پسندیدم.

دین پس از تبیین مسئله امامت و خلافت، به مرحله کمال رسید؛
یعنی مسائل بنیادین اعتقادی، پیش از این مرحله بیان شده
است. نتیجه این که بعد از این مرحله، طرح مسئله‌ای با این درجه
از اهمیت که شما ادعا دارید، ممکن نیست.

- چرا؟

- پیامبر اکرم ﷺ در غدیر خم همه سخنان خود را مطرح
کردند. چرا این سخن مهم و جدید را در همان روز مطرح نکردند؟
چه مسئله‌ای مهم‌تر از ولایت؟! بعد از این که پیامبر ﷺ،
امیرالمؤمنین علیه السلام را به جانشینی خود تعیین کردند، آیه نازل شد:
«... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ
رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا...»؛ ... امروز دین شما را برایتان
کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان
دین برای شما پسندیدم....

بر اساس حکمت پروردگار، امر مهم باید پیش از نزول این آیه

راز پنهان یافرب اشکار

گپ و گفتنی با انصار احمد بصری

بیان می‌شد. خدا درباره تعیین جانشین پیامبر ﷺ به او تضمین داد:

«وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...»؛ و خدا تو را از مردم حفظ می‌کند... .

خوب همین جا آن امر مهم را نیز بیان می‌کردند.

- متوجه نمی‌شوم؛ چه ایرادی دارد پیامبر ﷺ بعد از غدیر خم،

موضوع مهم دیگری را مطرح کنند؟

- چون اگر نفرماید، دین کامل نمی‌شود. دین، وقتی کامل است

که تمام مقومات و موضوعات اساسی آن بیان شده باشد. موضوع

مورد نظر شما یا جزء مقومات نیست که دیگر بحثی نمی‌ماند، اما

بر اساس سخنان شما این مسئله بسیار مهم بوده است؛ از این رو،

بیان آن بعد از نزول آیه «اکمال دین» ممکن نیست.

- برگردیم به روایت شیخ طوسی. شما به این روایت اشکال

سندی کردید؛ در حالی که وقتی خبر متواتراً باشد، مشکل سندی

حل می‌شود.

- در این موضوع، تواتری وجود ندارد؛ زیرا گرچه ممکن است یک

۱. مائده: ۶۷.

۲. خبرها دو گونه‌اند: خبر متواتر و خبر واحد. خبری که تعداد راویان آن در هر طبقه

به اندازه‌ای است که غالباً هماهنگی و اتفاق آنان بر دروغ، ممکن نیست، متواتر است؛

و به خبری که تعداد راویان در هر طبقه، به این اندازه نیست، خبر واحد گفته می‌شود.

بنابراین، نقل یک حدیث با یک طریق و یا حتی چند طریق که در بعضی طبقات

راویان مشترک وجود دارد در منابع و جوامع متعدد حدیثی، به معنای متواتر بودن آن

حدیث نیست.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتنی با انصار احمد بصری

روایت در کتاب‌های متعددی نقل شده باشد، در صورت نقل همه از یک کتاب و با یک سند، تواتری شکل نمی‌گیرد و چنین خبری در اصطلاح، خبر واحد است.

— آیا امکان دارد شیخ طوسی که خودش رجالی و اصولی بوده و همه را می‌شناخته، حدیث غلط نقل کند؟

— در عظمت شیخ طوسی و نیز دیگر بزرگان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام مانند کلینی^۱، صدوق^۲، مفید^۳، سید مرتضی^۴ و... تردیدی نیست؛ اما علمای شیعه چنین اعتقادی ندارند که تمام روایات موجود در کتاب‌های حدیثی ایشان صحیح است. حتی گروهی از علمای شیعه که به «اخباریون»^۵ شناخته می‌شوند نیز چنین اعتقادی

۱. ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی (۲۵۵-۳۲۹ق)، صاحب کتاب *الکافی*، بی‌نیاز از تعریف است. نجاشی درباره‌ی وی می‌نویسد: «شیخ اصحاب ما در زمان خودش در ری، شخصیت برجسته، موثق‌ترین و استوارترین مردم در عدالت و ضبط حدیث است»؛ *رجال النجاشی*، ص ۳۷۷.

۲. ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به «شیخ صدوق» (۳۸۱ق)، از شخصیت‌های درخشان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در قرن چهارم هجری است؛ کسی که گفته می‌شود به دعای امام زمان عجل‌الله‌فرجه به دنیا آمد. مجموعه ارزشمندی از تراش شیعه دوازده‌امامی به دست شیخ صدوق رحمته‌الله جمع شده و به دست ما رسیده است. *من لایحضره الفقیه*، یکی از کتب اربعه شیعه امامیه، از جمله آثار شیخ صدوق است.

۳. ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان، ملقب به «شیخ مفید» (۴۱۳ق)، از بزرگان شیعه دوازده‌امامی در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است. ریاست شیعه در آن دوره بر عهده ایشان بود.

۴. سید مرتضی (۳۳۵-۴۳۶ق) برادر سید رضی است که هر دو از شخصیت‌های برجسته مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در قرن چهارم و پنجم هجری و از شاگردان شیخ مفید رحمته‌الله هستند.

۵. اخباری‌ها در برابر اصولی‌ها، گروهی از دانشمندان شیعه‌اند که اجتهاد را باطل می‌دانند. ایشان معتقدند برای فهم معارف دین، تنها اخبار و روایات معتبر هستند؛ حتی ظواهر قرآن کریم نیز مادامی که بیانی از سوی معصوم درباره‌ی آن وجود نداشته باشد، اعتبار

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

ندارند و فقط درباره کتب اربعه - یعنی چهار کتاب کهن حدیثی شیعه که عبارتند از: *الکافی*، *من لایحضره الفقیه*، *تهذیب الأحکام* و *الإستبصار* - معتقدند که تمام روایات آن‌ها معتبر است. بنابراین، کتاب الغیبه شیخ طوسی و کتاب سلیم بن قیس حتی بر مبنای اخباریون نیز به بررسی‌های حدیثی احتیاج دارد. بر فرض صحت این روایت، اعتقاد به دوازده مهدی مورد نظر شما، با یک روایت اثبات نمی‌شود. اصلاً فرض می‌کنیم تمام دلایل شما مستحکم و تمام است؛ از کجا بدانیم این شخصی که می‌گویید، همان «یمانی» است؟

- با استخاره و خواب.

- تازه فهمیدم چرا در برابر علوم عقلی و علوم حدیث مقاومت می‌کنید. با تضعیف علوم عقلی، نوبت به خواب و خیال می‌رسد. با مردود دانستن علوم حدیث، می‌توان به هر روایتی، حتی روایات غیرمعتبر و دروغین، آن‌هم برای اهدافی مشخص، تمسک کرد. با محکوم کردن تقلید، فهم ضابطه‌مند از منابع دینی، جای خود را به برداشت‌های سطحی و حتی خطرناک می‌دهد.

حجت باطنی

جایگاه رفیع عقل از نگاه کتاب و سنت، بر کسی پوشیده نیست؛ همان که در سخن امام کاظم علیه السلام «حجت باطنی» معرفی شده

ندارد. از نگاه اخباری‌ها، روایات کتب اربعه شیعه همگی صحیح هستند؛ برای همین نیازی به مجموعه علوم حدیث نیست.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتنی با انصار احمد بصری

است.^۱ این حجت باطنی، که آفریده خداست، انسان را قدم به قدم همراهی می‌کند تا او را به محضر وحی الهی برساند. این همراهی همچنان ادامه دارد و انسان با دقت‌های عقلی می‌تواند معانی عمیق‌تری از کتاب و سنت را به دست آورد^۲، و نیز یکی از معیارهای ارزیابی روایات به شمار می‌رود.

این توضیح درباره دلیل عقلی سبب شد که احمد بپرسد: «بسیار خوب؛ اگر دلیل عقلی بیاورم چه؟ قبول می‌کنید؟»
- شما از سویی، فلسفه و کلام را حرام می‌دانید و از سوی دیگر، می‌خواهید دلیل عقلی بیاورید! گرچه این دو سخن ناسازگارند، آماده شنیدن هستیم.

- تا کنون کسی به حدیث وصیت تمسک نکرده است. از آنجا که خداوند متعال، عالم، قادر و حکیم است، مانع استناد دروغ‌گویان به این حدیث شده است تا صاحب اصلی آن، یعنی «یمانی» بیاید و به آن استدلال کند. استناد مدعی دروغین به این حدیث، نشان از جهل، عجز و خیانت خدا دارد؛ در حالی که پروردگار متعال دروغ نمی‌گوید. پس اگر کسی مدعی منصب الهی بود و به حدیث وصیت استدلال کرد، قطعاً صادق است.

- پیش از این، گروه شیخیه و نیز فردی به نام «علیرضا پیغان»، که از قضا مدعی امامت بود، به این حدیث (!) تمسک کرده‌اند. اکنون

۱. الکافی، کتاب العقل و الجهل، ح ۱۲.

۲. حضرت امیر علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه، شکوفایی عقل‌ها در پرتو معارف و حیانی را، از جمله اهداف بعثت انبیا علیهم السلام به شمار آورده است: «... وَ يُبَيِّرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ...».

راز پنهان یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

فرض می‌کنیم اصلاً کسی تا کنون به این حدیث استدلال نکرده است و شما اولین گروه هستید؛ این حدیث قابل استناد نیست. ادعای شما مسئله کوچکی نیست. ادعایی چنین بزرگ، دلایل متناسب با خود را می‌طلبید. اگر جریان «دوازده مهدی پس از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» مسئله‌ای روشن و قطعی بود، باید در منابع کهن دینی به صورت متعدد یافت می‌شد؛ نه این که در یکی - دو روایت، آن هم با سندهای غیر قابل اعتماد و این همه اشکال! اکنون که بحث به این جا رسید، خوب است به برخی دلایل وجود دوازده امام، که جانشینان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هستند، اشاره کنیم. موضوع این روایات، معرفی حجت‌های الهی است، در حالی که هیچ سخنی از دوازده مهدی پس از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کار نیست.

حدیث لوح؛ حدیثی برای تمام عمر

کلینی در الکافی بخشی را به روایات مربوط به دوازده امام اختصاص داده است. در هیچ‌کدام از این بیست روایت، نشانی از دوازده مهدی وجود ندارد. از میان این روایات، یکی معروف به «حدیث لوح» است. این روایت را امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:

پدرم به جابر بن عبدالله انصاری - که از اصحاب برجسته رسول خداست - فرمود: «با شما کاری داشتم. چه زمانی برای شما ممکن است که با هم خلوت و

۱. الکافی، کتاب الحجّة، باب ما جاء فی الإثنی عشر والنص علیهم، ح ۳.

راز پنهان یاقرب اسکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

گفت وگو کنیم؟» گفت: «هر وقت که بخواهید، من در خدمت شما هستم.» این ملاقات خصوصی در یکی از روزها صورت پذیرفت. امام باقر علیه السلام به جابر فرمود: «درباره لوحی که در دستان مادرم فاطمه، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدی، به من توضیح بده. محتوای آن را که مادرم به تو خبر داد، برایم بازگو کن!» جابر گفت: «خدا را شاهد می‌گیرم که در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تبریک ولادت حسین علیه السلام بر فاطمه علیه السلام وارد شدم. لوحی سبزرنگ در دستان ایشان دیدم که نوشته‌ای در آن بود. به ایشان گفتم: قربانت بشوم ای دختر رسول خدا! این لوح چیست؟ ایشان گفتند: "این لوح را خدا به رسولش اهدا کرده است. در این لوح نام پدرم، شوهرم، دو پسر و نام اوصیای از فرزندانم آمده است. پدرم این لوح را به من داد تا مرا خشنود سازد." در ادامه جابر به امام باقر علیه السلام گفت: «مادرت فاطمه این لوح را به من داد؛ من هم خواندم و از روی آن نوشتم.» امام باقر علیه السلام فرمود: «ای جابر! می‌توانی آن لوح را به من نشان بدهی؟» جابر گفت: «آری.» پس با هم به منزل جابر رفتند. در آن جا جابر صحیفه‌ای از پوست را آورد. امام علیه السلام بدون این که به صحیفه نگاه کنند، به جابر فرمودند: «من می‌خوانم و تو صحیفه را نگاه کن.» جابر به صحیفه خود نظر می‌کرد و پدرم قرائت می‌فرمود. نوشته موجود در صحیفه جابر با

راز پنهان یاقرب اشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

آنچه پدرم خواند، مطابق بود. در نهایت جابر گفت: «خدا را شاهد می‌گیرم که نوشته لوح را به همین شکل دیده بودم: "بسم الله الرحمن الرحيم. این کتاب از طرف خدای عزیز حکیم، برای محمد ﷺ که نبی، نور، سفیر، حجاب و دلیل خداوند است. یا محمد! نام‌های مرا تعظیم کن، نعمت‌های مرا شکر کن و انکار نکن... انی انا الله لا اله الا انا. پس هر کس به غیر فضل من امید بندد و یا غیر از عدل من از چیزی بترسد، او را به عذاب بی‌نظیری دچار خواهم کرد. پس فقط مرا بپرست و بر من توکل کن. من هیچ پیامبری را نفرستادم مگر این‌که در پایان دوران نبوت او، برایش وصی قرار دادم. تو را بر همه پیامبران و وصی تو را نیز بر تمام اوصیا برتری دادم...»».

در ادامه «حدیث لوح»، هر یک از ائمه دوازده‌گانه با خصوصیات، مورد اشاره قرار می‌گیرند تا این‌که به امام زمان عجل الله فرجه می‌رسد. در معرفی حجة بن الحسن عجل الله فرجه چنین آمده است: «... او که رحمت است برای عالمیان، کمال موسی، بهاء عیسی و صبر ایوب را داراست...» این روایت را که ابوبصیر از امام صادق عجل الله فرجه آموخته بود، به شاگردان خود نیز منتقل کرد. یکی از آن‌ها «عبدالرحمن بن سالم» است. ابوبصیر بعد از نقل این روایت به او، می‌افزاید: «اگر در همه عمرت فقط این حدیث را شنیده باشی، برایت کافی است؛ پس خوب از آن مراقبت کن و فقط با اهلش در میان بگذار.» بر اساس این روایت



راز پنجمان یافرب آشکار

گپ و گفنی با انصار احمد بصری

شریف، پروردگار متعال حجت‌های خویش را معرفی کرده است. چرا سخنی از دوازده مهدی مورد نظر شما و اولین آن‌ها به میان نیامده است؟!

دین مورد تأیید امام هادی علیه السلام

روایت دیگری به یادم آمد؛ روایتی بسیار مهم و مناسب این بحث. عبدالعظیم حسنی^۱، از شاگردان برجسته مکتب اهل بیت علیهم السلام است. وی از محضر امام جواد و امام هادی علیهم السلام بهره‌مند شده است. در یکی از ملاقات‌ها به امام هادی علیه السلام عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا! می‌خواهم اعتقاداتم را با شما مطرح کنم؛ اگر مورد پسند شما بود، بر آن باقی بمانم تا وقتی که به ملاقات خدا می‌روم.» امام علیه السلام فرمود: «شروع کن ای ابوالقاسم!»

معتقدم خدای تبارک و تعالی واحد است؛ هیچ مثل و مانندی ندارد. خارج از حد ابطال و حد تشبیه است. نه جسم است و نه صورت، نه عرض است و نه جوهر؛ بلکه او مجسم الاجسام و مصور الصور است. ... محمد صلی الله علیه و آله، عبد و رسول خداست؛ ختم‌کننده انبیا که بعد از ایشان تا روز قیامت، پیامبری نخواهد آمد. معتقدم امام، خلیفه و ولی امر بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است. بعد از ایشان به ترتیب: حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی،

۱. «ابوالقاسم عبدالعظیم حسنی» از سادات حسنی و از راویان حدیث است که محضر چند امام را درک کرده است. مزار او در شهر ری تهران قرار دارد.

راز پنهان یا فریب آشکار

گپ و گفنی با انصار احمد بصری

جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی،

محمد بن علی و بعد از ایشان شما ای مولای من!

امام علیه السلام فرمود: «بعد از من، فرزندانم حسن امام است. مردم دربارهٔ جانشین فرزندانم حسن چگونه خواهند بود؟» عبدالعظیم حسنی گفت: «چطور؟» فرمود: «چون او امامی است که دیده نمی‌شود و نام بردن او جایز نیست؛ تا این که خروج کند و زمین را بعد از آن که از ظلم و جور پُر شده، پُر از عدل و داد کند.» گفت: «قبول کردم و معتقد شدم.»

عبدالعظیم حسنی در ادامه به مسئلهٔ معاد و برخی فرایض مانند نماز، زکات، روزه و حج نیز اشاره کرد. امام هادی علیه السلام پس از شنیدن اعتقادات عبدالعظیم حسنی، فرمود: «ای ابوالقاسم! به خدا قسم این که گفنی، دین خداست؛ همان که خدا برای بندگانش پسندیده است. پس بر آن ثابت قدم باش که: **سَبَّكَ اللهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.**»^۱ فراموش نکنیم عبدالعظیم همان کسی است که در این ملاقات، تا چشمان امام هادی علیه السلام به او افتاد، فرمود: «**مَرَحَبًا بِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ، أَنْتَ وَ لِيْنَا حَقًّا.**»؛ خوش آمدی! تو واقعاً دوست مایی. در پایان هم برای او دعا کردند.^۲ اکنون سؤال ما این است: چرا در این روایت شریف که دین خدا پسند معرفی شده، سخنی از دوازده مهدی با تفسیر شما نیست؟

۱. التوحید، باب التوحید و نفی التشبه، ح ۳۷.

۲. همان.

راز پنهان یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

امام سیزدهم!

- شما که این قدر محکم از امامت دوازده امام دفاع می‌کنید، روایات «سیزده امام» را چه می‌کنید؟ در همان کتاب الکافی روایاتی وجود دارد که بر وجود سیزده امام دلالت دارند.

- بله، درست می‌فرمایید؛ اما اگر به چگونگی کتابت حدیث در طول تاریخ توجه داشته باشیم، مسئله روشن می‌شود. تا پیش از این که صنعت چاپ به وجود آید، کتاب‌ها به صورت دست‌نویس، دست به دست می‌شد. فرض کنید شخصی کتابی می‌نوشت؛ دیگری که مایل به داشتن آن کتاب بود، از روی آن برای خودش می‌نوشت (استنساخ می‌کرد) و همین‌طور افراد دیگر. در این نوشتن‌ها امکان وجود خطا هست که به آن «تصحیف» گفته می‌شود. کلینی رحمه الله این بخش از روایات الکافی را چنین نام‌گذاری کرده است: «بَابُ مَا جَاءَ فِي الْإِثْنِي عَشَرَ وَ النَّصِّ عَلَيْهِمْ»؛ یعنی روایاتی که در تصریح به دوازده امام وارد شده است. چگونه ممکن است شخصیت بزرگی چون کلینی، روایاتی بر خلاف عنوان را نقل کرده و به آن معتقد باشد؟! در همین کتاب الکافی هر کدام از ائمه دوازده‌گانه علیهم السلام به صورت مستقل معرفی شده‌اند؛ چرا سخنی از امام سیزدهم نیست؟! قطعیت اعتقاد به دوازده امام سبب شده تا شیخ طوسی رحمه الله در کتاب الغیبة بگوید:

«فَأَمَّا مَنْ قَالَ إِنَّ لِلْخَلْفِ وَ لِدَاً وَ أَنَّ الْأُمَّةَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ
فَقَوْلُهُمْ يَفْسُدُ بِمَا دَلَّلْنَا عَلَيْهِ مِنْ أَنَّ الْأُمَّةَ اثْنَا عَشَرَ فَهَذَا

راز پنهان یاقرب اشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

الْقَوْلُ يَجِبُ إِطْرَاحُهُ...»؛ اعتقاد کسانی که می‌گویند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند دارد و تعداد امامان سیزده نفر است، باطل است؛ زیرا بر اساس ادله نشان دادیم که امامان، دوازده نفرند. بنابراین ردّ این سخن، واجب است... .

این مطلب در کتاب **الغیبه** شیخ طوسی است که شما قبول دارید!

- در روایتی دیگر، امام علی ع در پاسخ به اصبع بن نباته که از علت در فکر بودن امام پرسیده بود، فرمودند:

«... وَ لَكِنْ فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِ الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ»^۱؛ ... داشتم درباره فرزندى که از پشت یازدهمین فرزندم است، فکر می‌کردم. او همان مهدی است که زمین را پس از این که ظلم و ستم همه جای آن را فرا بگیرد، از قسط و داد پُر می‌کند. برای او حیرت و غیبتی است که به سبب آن، اقوامی گمراه شده و اقوام دیگر به هدایت می‌رسند.

امام در حال تفکر درباره مولود یازدهمین فرزند خود بودند؛ مهدی، فرزند یازدهمین فرزند امام علی ع است. خوب، این مهدی کیست؟
- توضیح دادم که کتابت حدیث در طول تاریخ با مشکلاتی روبه‌رو

۱. کتاب الغیبه، ص ۲۲۸.

۲. همان، ص ۳۳۶.



راز پنجمان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

بوده؛ این هم یکی از موارد آن است. در الکافی^۱ و کمال الدین^۲ به صورت «یکون من ظهري الحادي عشر» و در غیبت نعمانی^۳ به صورت «یکون من ظهري هو المهدى» آمده و معلوم می‌شود متنی که اکنون از کتاب الغیبة شیخ طوسی^۴ در اختیار داریم، دقیق نیست. - همچنین در روایت داریم که بعد از قائم^ع، یازده مهدی خواهند بود:

«... إِنَّ مَنَّا بَعْدَ الْقَائِمِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًّا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ»؛ ...
از ما بعد از قائم^ع، یازده مهدی از فرزندان حسین^ع خواهد بود.

- بالأخره بعد از امام زمان^{عجل الله تعالی فرجه الشریف}، یازده مهدی هستند یا دوازده مهدی؟! با این متن‌ها نمی‌توان در برابر اعتقاد مسلم و قطعی «دوازده امام» ایستاد. صرف نظر از مباحث سندی، متن هم خیلی روشن نیست. قبلاً هم گفتیم؛ برای اثبات یک موضوع اعتقادی، به دلایل کافی و مطمئن نیاز داریم، نه یکی - دو عبارت؛ آن هم با این همه مشکل که سر راه آن وجود دارد. نمونه دیگر از این روایات، باز هم در کتاب الغیبة شیخ طوسی است؛ به نقل از امام باقر^ع که فرمودند:

«الإثْنَا عَشَرَ الْإِمَامَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ كُلُّهُمْ مُحَدَّثٌ [مِنْ] وُلْدِ رَسُولِ

۱. الکافی، کتاب الحجّة، باب فی الغیبة، ح ۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، باب ما أخبر به أمير المؤمنين علي بن أبي طالب^ع من وقوع الغیبة بالقائم الثاني عشر من الأئمة، ح ۱.

۳. الغیبة (نعمانی)، باب ما روي في أن الأئمة اثنا عشر إماما وأنهم من الله و باختياره، ح ۴.

۴. کتاب الغیبة، ص ۴۷۸.

راز پنجمان یافرب آشکار

گپ و گفنی با انصار احمد بصری

الله وُؤلِدِ عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَرَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ هُمَا الْوَالِدَانُ؛
دوازده امام از آل محمد که همگی آن‌ها محدثند،
از فرزندان رسول خدا ﷺ و علی بن ابی طالب ﷺ
هستند؛ پس رسول خدا و علی ﷺ، دو پدر هستند.

حال کسی بگوید مفاد این روایت، سیزده امام است؛ زیرا متن
چنین است: دوازده امام از فرزندان پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ، که
به همراه امام علی ﷺ می‌شود سیزده امام! انسان باید از این‌گونه
استدلالات خنک، به خدا پناه ببرد!

دوازده مهدی

- یعنی تمام روایاتی که درباره «دوازده مهدی» داریم، ساختگی
است؟

- خیر؛ اما دوازده مهدی واقعاً چه کسانی هستند؟ ابوبصیر درباره
«دوازده مهدی» از امام صادق ﷺ پرسید: «ای فرزند رسول خدا! از
پدرتان شنیدم که بعد از "قائم" دوازده مهدی خواهد بود.» امام ﷺ
فرمودند:

پدرم گفتند دوازده مهدی، نه دوازده امام؛ ایشان
تعدادی از شیعیان ما هستند که مردم را به دوستی ما
و معرفت به حق ما دعوت می‌کنند.^۱

بنابراین، این افراد دارای مقام امامت - به معنای اصطلاحی - نیستند.

۱. کتاب الغیبه، ص ۱۵۱ و ۱۵۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، باب ما روی عن الصادق جعفر بن محمد ﷺ من النص
علی القائم ﷺ و ذکر غیبه و انه الثانی عشر من الأئمة ﷺ، ح ۵۶.

راز پنجمان یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَهُمْ عَذَابُ
الْأَلِيمِ: مَنْ ادَّعَى إِمَامَةً مِنْ اللَّهِ لَيْسَتْ لَهُ وَ مَنْ جَحَدَ إِمَاماً
مِنْ اللَّهِ وَ مَنْ زَعَمَ أَنَّ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ نَصِيباً؛ خداوند در
روز قیامت با سه نفر سخن نمی گوید، ایشان را پاک
نمی کند و گرفتار عذاب خواهند شد: کسی که ادعای
امامت از سوی خدا کند، در حالی که چنین نیست؛
کسی که امامتِ امامِ الهی را انکار کند؛ و کسی که این
دو نفر را بهره مند از اسلام می داند.

متن حدیث گویا و در عین حال هشداردهنده است؛ همان طور
که انکار یکی از دوازده امام سبب عذاب الهی است، ادعای امامتِ
الهی نیز با برخورد سخت پروردگار مواجه خواهد شد.
- از برخی عبارات بزرگان به دست می آید ایشان به انحصار امامت
در دوازده امام معتقد نبودند. شیخ صدوق در مقدمه کمال الدین
می نویسد:

تعداد ائمه علیهم السلام دوازده نفر است و دوازدهمی همان
کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند. بعد
از امام دوازدهم همان می شود که ایشان بیان کنند؛
این که امامی بعد از ایشان بیاید یا قیامت برپا شود. ما
به امامت دوازده امام اقرار می کنیم و معتقدیم بعد از

۱. الکافی، کتاب الحجّة، باب من ادعی الإمامة وليس لها بأهل و من جحد الأئمة او بعضهم و من أثبت الإمامة لمن ليس لها أهل، ح ۴.

راز پنهان یافرب اشکار

گپ و گفتنی با انصار احمد بصری

امام زمان، همان می‌شود که ایشان بفرمایند.^۱

- شیخ صدوق رحمته الله در این بخش از مقدمه کمال الدین به اشکالات زیدیه^۲ پاسخ می‌دهد. اشکال قبلی دربارهٔ روایت «دوازده امام» است: اگر روایت دوازده امام صحیح بود، مردم دربارهٔ امام بعد از امام صادق علیه السلام شک نمی‌کردند. شیخ صدوق در پاسخ می‌گوید: ما مدعی نیستیم تمام شیعیان در آن دوره، دوازده امام را می‌شناختند؛ سخن ما این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به «دوازده امام» به عنوان خلیفه تصریح کردند. علمای شیعه در طول تاریخ این روایت را با نام ائمه نقل کرده‌اند و این که تعداد محدودی، این روایت را نشنیده باشند، ضرری به اصل مسئله وارد نمی‌کند.^۳

شیخ صدوق در ادامه، اشکال دیگری از زیدیه را مطرح می‌کند.^۴ سخنی که شما از شیخ صدوق نقل کردید، در پاسخ به این مسئله است؛ مطلبی کاملاً صحیح و متین. در تعداد ائمه که تردیدی نیست؛ اما بعد از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پس از دورهٔ ایشان چه

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۰۷.

۲. «زیدیه» یکی از فرقه‌های شیعه است که امامت را در انحصار فرزندان امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌داند. به اعتقاد ایشان، هر یک از فرزندان حسنین علیهما السلام که شرایط امامت را داشته باشد و ضمن دعوت مردم به خود، ضد ظلم قیام کند، امام خواهد بود؛ از این رو به امامت «زید»، فرزند امام زین العابدین علیه السلام، اعتقاد دارند.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۰۴.

۴. از طرفی، امامیه معتقد است زمین از حجت خالی نیست؛ و از طرف دیگر، فقط یک نفر از دوازده امام باقی مانده است؛ در حالی که حجج الهی بر این امت تا روز قیامت باقی خواهند بود.

راز پنجان یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

اتفاقی می افتد، ما نمی دانیم. هنگامی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تشریف بیاورند، آنچه بفرمایند، همان می شود. شاهد این سخن، دو روایتی است که شیخ صدوق در ادامه همین مطلب نقل کرده است. در روایت نخست، از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حوادث بعد از امام زمان علیه السلام سؤال می شود. ایشان در پاسخ، این مطلب را از امور اختصاصی عترت به حساب می آورند:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخْبِرْنِي بِمَا يَكُونُ مِنَ الْأَحْدَاثِ بَعْدَ قَائِمِكُمْ قَالَ يَا ابْنَ الْحَارِثِ ذَلِكَ شَيْءٌ ذَكَرَهُ مَوْكُولٌ إِلَيْهِ وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُخْبِرَ بِهِ إِلَّا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ»؛
عبدالله بن حارث می گوید: به علی علیه السلام عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! درباره حوادث بعد از قائمتان مرا مطلع کن. حضرت فرمود: «این مسئله موکول به قائم است. رسول خدا صلى الله عليه وآله از من عهد گرفته است که این موضوع را فقط به حسن و حسین اطلاع دهم.»

این معنا در روایت دوم نیز آمده است. در نتیجه، انتساب عقیده به عدم انحصار امامت در دوازده امام و امکان استمرار امامت به شیخ صدوق، روا نیست.

۱. «قالت الزيدية لا يجوز أن يكون من قول الأنبياء إن الأئمة اثنا عشر لأن الحجة باقية على هذه الأمة إلى يوم القيامة واثنا عشر بعد محمد صقده مضي منهم أحد عشر و قد زعمت الإمامية أن الأرض لا تخلو من حجة. فيقال لهم إن عدد الأئمة عليهم السلام اثنا عشر و الثاني عشر هو الذي يملأ الأرض قسطاً و عدلاً ثم يكون بعده ما يذكره من كون إمام بعده أو قيام القيامة و لسنا مستعبدين في ذلك إلا بالإقرار باثني عشر إماماً و اعتقاد كون ما يذكره الثاني عشر عليه السلام بعده.»

راز پنهان یافرب اسکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

مقابله فقها و مردم با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

وجود برخی روایات سبب شده بود احمد درباره فقها بدبین باشد؛ برای همین گفت: «هنگام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آیا علما ایشان را قبول می‌کنند؟ در بعضی روایات دیدم که علما اصلاً ایشان را قبول نمی‌کنند. هفتاد عالم به همراه سه هزار نفر در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌ایستند. امام با ایشان احتجاج می‌کند و چون نمی‌پذیرند، به دست امام کشته می‌شوند.»

– منظور شما کدام روایت است؟

– روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره زمانی که از قرآن جز خطی و از اسلام جز نامی باقی نمی‌ماند و مردم بسیار از دین دورند. در آن زمان مساجد، آباد است؛ اما از هدایت خبری نیست. فقهای آن زمان بدترین فقها و منشأ فتنه هستند.

– متن روایت این گونه است:

«سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رِثْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يُسَمَّوْنَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى فُقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ سُورُ فُقَهَاءَ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَعُودُ»؛ به زودی زمانی فرا خواهد رسید که از قرآن جز رسم الخطی و از اسلام جز نامی باقی نخواهد ماند. در آن زمان مردم مسلمان نامیده می‌شوند، در حالی که دورترین مردم از اسلام هستند. مساجدشان آباد، اما

۱. الکافی، کتاب الروضة، ح ۴۷۹.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

از هدایت خالی است. فقهای آن زمان، بدترین فقهای
روی زمینند. منشأ فتنه آن‌ها هستند.

خوب! این روایت می‌فرماید: به زودی این اتفاق خواهد افتاد.
«سین» که بر سر فعل «یأتی» آمده، چنین معنایی را می‌رساند. این
جریان ارتباطی با آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد؛
بلکه مربوط به حوادث بعد از وفات رسول خداست. اندیشمندان
نیز در طول تاریخ چنین برداشتی از این روایت داشتند؛ برای
نمونه، ملا صالح مازندرانی^۱ در شرح خود بر الکافی سخن رسول
خدا صلی الله علیه و آله را پیش‌گویی و معجزه می‌داند و معتقد است از زمان
رحلت رسول خدا تا کنون، وضعیت به همین صورت است؛ اکثر
صحابه و پیروان ایشان از مردم و نیز از فقها، متصف به صفات
مذکور در روایت هستند؛ البته ملا صالح بعضی از فقهای شیعه را نیز
مشمول این روایت می‌داند.^۲ محقق فقیه سید مرتضی عسکری^۳
در کتاب «نقش ائمه علیهم السلام در احیای دین» با استفاده از این روایت
به مقایسه سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان حیات و بعد از رحلت
ایشان پرداخته است.^۴

۱. ملا صالح مازندرانی (۱۰۸۱ق) از دانشمندان قرن یازدهم هجری است. معروف‌ترین اثر
او، شرح بر اصول و روضه الکافی است.

۲. شرح الکافی، ج ۱۲، ص ۴۱۲.

۳. علامه سید مرتضی عسکری (۱۲۹۳-۱۳۸۶ش) محقق برجسته در تاریخ اسلام در
عصر حاضر است. نقش ائمه علیهم السلام در احیای دین، معالم المدرستین، عبدالله بن سبأ،
یکصد و پنجاه صحابی ساختگی و القرآن الکریم و روایات المدرستین، از جمله آثار
ارزشمند این مورخ فقیه است.

۴. نقش ائمه در احیای دین، ج ۱، ص ۶۱ (در توضیح اصطلاح «اسلام»).

راز پنهان یا فریب آشکار

گپ و گفتنی با انصار احمد بصری

- روایت دیگری هم داریم؛ شیخ صدوق در کمال الدین روایتی درباره معراج رسول خدا ﷺ نقل کرده است. در این روایت به امامت دوازده مهدی بعد از رسول خدا ﷺ و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است:

«... فَقُلْتُ إِيَّاهِ وَي سَيِّدِي مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ فَأَوْحَى إِلَيَّ اللَّهُ جَلًّا وَعَزًّا يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَظَهَرَ الْجَهْلُ وَكَثُرَ الْقُرَاءُ وَقَلَّ الْعَمَلُ وَكَثُرَ الْقَتْلُ وَقَلَّ الْفُقَهَاءُ الْهَادُونَ وَكَثُرَ فُقَهَاءُ الضَّلَالَةِ وَالْخَوْنَةِ...»؛ ... عرض کردم: پروردگار و آقای من! آن واقعه چه وقت خواهد بود؟ خداوند فرمود: «زمانی که علم رخت بریندد و جهل ظهور یابد، قاریان زیاد و عاملان کم گردند، فقیهان هدایت‌گر کم و فقیهان گمراه و خائن زیاد شوند...»

- متأسفانه این روایت مشکل سندی دارد؛ زیرا مرفوعه است. از این مشکل صرف نظر و به متن آن توجه می‌کنیم. اگر تمام مذاهب اسلامی و فقهای ایشان را در نظر بگیریم، مسئله روشن می‌شود.

- روایت می‌گوید: در زمان ظهور، فقهای اهل هدایت اندک و فقهای خائن و اهل ضلالت بسیارند؛ چه ارتباطی به مذاهب دارد؟

- این روایت - البته فقط با توجه به متن آن، نه سندش - مخصوص فقهای امامیه نیست. بالآخره فقهای مذاهب دیگر فقیه هستند یا نه؟ «فقهای هدایت‌شده» از امامیه باشند و «فقهای اهل

۱. کمال الدین و تمام النعمه، باب نص الله تبارك و تعالی على القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و أنه الثاني عشر من الأئمة، ح ۱.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

ضلالت» از مذاهب دیگر.

- یعنی تمام فقهای امامیه اهل هدایتند؟

- خیر، در میان ایشان نیز خائن و اهل ضلالت وجود دارد؛ اما اگر مجموعه را در نظر بگیریم، بیشتر فقهای امامیه اهل هدایت و بیشتر فقهای مذاهب دیگر خائن و اهل ضلالتند. علامه مجلسی رحمته الله علیه درباره این نشانه‌ها معتقد است: لازم نیست این نشانه‌ها در زمان ظهور روی دهد. بسیاری از این نشانه‌ها مانند «اشراف الساعة» سال‌ها و بلکه قرن‌ها پیش روی داده است؛ مانند «صاحب زنج» که در روایت آمده مربوط به زمان ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. علامه مجلسی تصریح می‌کند که علائم ظهور از زمان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز شده و تا لحظه ظهور ادامه دارد.^۱ در ضمن، مشکل سندی را نمی‌توان نادیده گرفت؛ آن هم برای مسئله‌ای به این مهمی.

- وقتی روایتی را کنار می‌نهیم که دلیلی بر ردش داشته باشیم. اینقدر نباید در سند حدیث گیر کنیم. کلام، کلام اهل بیت علیهم السلام است. آیا به صرف ضعف سند، حدیث را کنار بگذاریم؟ اینقدر نباید در مباحث غور کرد که عقاید زیر سؤال برود.

- صحبت رد کردن نیست؛ برای اعتقاد صحیح، دلایل صحیح و

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱. شخصی به نام علی بن محمد بن عبدالرحیم در سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ قمری در بصره قیام کرد. او گمان می‌کرد که از نسل زید بن علی بن الحسین علیه السلام است. از آن جا که وعده داده بود که هر کسی از سوادان به او ملحق شود، آزاد گردد و مورد اکرام قرار بگیرد، جمعیت فراوانی از سوادان به او گرویدند و در نتیجه به «صاحب الزنج» ملقب گردید.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

اطمینان آور لازم است.

- سخت‌گیری شما در پذیرش روایات برایم قابل درک نیست. من اسلام آورده‌ام؛ بالأخره عقیده‌ام را باید از کجا به دست بیاورم؟
- موضوع مهمی را مطرح کردید که اگر خدا بخواهد، در ادامه به آن خواهیم پرداخت؛ اما فعلاً این مسئله را تمام کنیم. اصلاً فرض می‌کنیم سند، صحیح است و مراد از فقها، فقهای امامیه؛ این دلیل، ادعای شما را اثبات نمی‌کند. از کمی فقهای اهل هدایت در زمان ظهور، امامت «یمانی» مورد نظر شما به دست نمی‌آید.
- عموم مردم در زمان ظهور چه وضعیتی دارند؟ آیا مردم به سمت ایشان می‌آیند؟ ایشان را می‌پذیرند؟ یا لعنش می‌کنند؟ در کتاب *بشارة الاسلام*^۱ روایتی دیدم که در هیچ کتاب حدیثی نیست. - این کتاب حدود صد سال پیش نوشته شده. روایت‌های این کتاب باید در منابع کهن وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت اعتبار ندارد.

- بسیار خوب، از منابع کهن استفاده می‌کنیم. نعمانی در الغیبه از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: وقتی امام زمان رحمة الله علیه قیام کند، کارش سخت‌تر از کار رسول خداست؛ زیرا مردم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بُت‌هایی از جنس سنگ و چوب می‌پرستیدند، اما در زمان ظهور، مردم کتاب خدا را ضد امام تأویل و علیه ایشان احتجاج می‌کنند:

۱. کتاب *بشارة الإسلام فی علامات المهدي* رحمة الله علیه، تألیف سید مصطفی آل السید حیدر الکاظمی است که در سال ۱۳۳۲ هجری قمری نوشته شده است. اعتبار گزارش‌های منقول در این کتاب، با اشکال جدی مواجه است.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

«... إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ
وَالْعِيدَانَ وَالخُشْبَ الْمُنْحُوْتَةَ وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ
وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ»؛ رسول
خدا ﷺ نزد مردم آمد در حالی که آن‌ها سنگ و
چوب را می‌پرستیدند. قائم ما که قیام کند و نزد مردم
بیاید، کتاب خدا را ضد او تأویل می‌کنند و به وسیله
قرآن با او احتجاج می‌کنند.

- همین مطلب درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نیز وجود دارد. رسول

خدا ﷺ فرمودند:

«... أَنَا أُقَاتِلُ عَلَى التَّنْزِيلِ وَعَلِيٌّ يُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ...»؛
... من برای تنزیل (اصل نزول) قرآن می‌جنگم و
علی علیه السلام بر تأویل (معنای) قرآن می‌جنگد....

یعنی در زمان رسول خدا ﷺ که ابتدای بعثت و آغاز اسلام
است، نزاع و درگیری درباره اصل دین بود؛ اما درگیری‌ها و مشکلات
زمان امام علی علیه السلام درباره اصل دین نبود، بلکه به برداشت‌های
مسلمانان از دین مربوط می‌شد. در روایت منقول از غیبت نعمانی
نیز همین‌طور است؛ یعنی در برابر هر دعوت الهی، افرادی هستند
که به بهانه‌های گوناگون مقاومت می‌کنند. در همین کتاب الغیبه
روایاتی داریم که در مسئله مهدویت، شیعیان مورد امتحان قرار
می‌گیرند و غربال می‌شوند. در نهایت مردمی که از ظلم اقلیت

۱. الغیبة (نعمانی)، باب ما جاء فیما یلقى القائم علیه السلام و یتقبل من جاهلیة الناس و ما

یلقاه قبل قیامه من أهل بیته، ح ۱.

۲. النخصال، باب ما بعد الألف، ح ۳۸.

راز پنجمان یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

حاکم و مستکبر به ستوه آمدند، وقتی عدل مجسم را دریابند، به او می پیوندند. روایات متعددی به این مسئله اشاره دارد؛ برای نمونه: «... قَائِمٌ أُمَّتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا...»؛ قائم امتم زمین را از قسط و عدل پر می کند، همان طور که از ظلم و ستم پر شده است....

کتاب جدید

- در بعضی روایات آمده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با کتاب و سنت جدید ظهور می کنند؛ معنای این روایات چیست؟ آیا واقعاً کتاب و سنتی غیر از آنچه مردم در اختیار دارند، در کار است؟
- این روایات را که مجموعاً پنج روایت است، نعمانی در کتاب *الغیبة* خود نقل کرده است. مفصل ترین آن ها حدیث ۱۳ از باب ۱۴ است:

«... إِذَا خَرَجَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ...».

برای فهم صحیح روایات، اشراف به مجموعه تراث دینی ضرورت دارد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین امام از ائمه دوازده گانه هستند. از وظایف مهم اهل بیت علیهم السلام حفظ دین است. کدام دین؟ همان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مؤسس آن است و ائمه معصومین علیهم السلام جانشینان ایشان. پس معنای این روایت، دین جدید نیست؛ بلکه خیلی واضح است که مراد از امر جدید، کتاب جدید، سنت جدید و قضای

۱. کمال الدین و تمام النعمة، باب ما روي عن النبي صلی الله علیه و آله و سلم في النص على القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و أنه الثاني عشر من الأئمة، ح ۱.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

جدید، چیزی غیر از دین اسلام و احکام آن نیست. «امر جدید» یعنی برای مردمی که یا از مجموعه اسلام خبر ندارند یا فراموش کردند، جدید خواهد بود. «کتاب جدید» ممکن است به قرآن جمع آوری شده به دست امام علی علیه السلام اشاره داشته باشد.

... قرآن امیرالمؤمنین علیه السلام با قرآن در اختیار ما چه تفاوتی دارد؟

... از نظر تعداد آیات و سوره‌ها، هیچ تفاوتی ندارد. وقتی آیات قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می‌شد، ایشان آیات را به همراه شرح و تفسیر به امام علی علیه السلام تعلیم می‌کردند. این قرآن جزء میراث امامت است و اکنون نزد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. قرآن همراه با شرح و تفسیر و تأویل که احتمالاً ملاک عمل امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود، ممکن است برای برخی شدید و دشوار گردد.

... امر جدید باید غیر از کتاب و سنت جدید باشد. این امر جدید می‌تواند آنقدر عام باشد که ولایت ولی را هم در بر بگیرد؛ حضرت حجت علیه السلام با امر جدید ظهور می‌کند یعنی ولایت جدیدی می‌آورد.

... «ولایت جدید» یعنی چه؟

... حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صاحب الامر است؛ شاید امام و ولی دیگری را معرفی کند.

... البته بنده معنای «امر جدید» را توضیح دادم؛ یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف امام دیگری را معرفی کند؟ چه ضرورتی دارد؟ امامت، مسئله ساده‌ای نیست که به این راحتی درباره آن صحبت کنیم. اصلاً صریح در روایات فریقین، دوازده امام است. اگر هم بعد از

راز پنجمان یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صحبت از امام دیگری باشد، مربوط به «رجعت» می شود که نیاز به بررسی جداگانه دارد. به هر حال باید صبر کنیم تا آقا تشریف بیاورند؛ پیش از ظهور ایشان با این احتمال نمی توان چیزی را اثبات کرد.

- چون «امر» خیلی عام است، می تواند شریعت جدید را هم در بر بگیرد.

- نه، این امکان ندارد؛ هیچ جا سخن از دین و شریعت جدید نیست. درباره چگونگی حکم کردن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داریم که با پیروان هر دینی (ابراهیمی) بر اساس کتاب ایشان حکم خواهد کرد: «... وَ يَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ...»؛ ... میان اهل تورات با تورات، میان اهل انجیل با انجیل، میان اهل زبور با زبور و میان اهل قرآن با قرآن حکم می کند....

- امام صادق عليه السلام هنگامی که از ایشان درباره «قائم» سؤال شد، ضمن معرفی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به «صاحب سیف»، تصریح کردند که با امری غیر از آنچه بوده می آیند:

«أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْقَائِمِ فَقَالَ كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ أَحَدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرِ غَيْرِ الَّذِي كَانَ»^۱؛ درباره قائم از ایشان سؤال شد؛

۱. الغيبة (نعمانی)، باب ما روي في صفته و سيرته و فعله و ما نزل من القرآن فيه، ح ۲۶.

۲. الكافي، كتاب الحجة، باب أن الأئمة عليهم السلام كلهم قائمون بأمر الله تعالى هادون اليه، ح ۲.

راز پنجمان یافرب اسکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

فرمود: «همه ما یکی بعد از دیگری قائم به امر خدا هستیم تا صاحب شمشیر بیاید. پس وقتی صاحب شمشیر بیاید، امری غیر از آنچه بوده است، می آورد.»
- این نمی تواند به معنای دین و شریعت جدید باشد. با ظهور امام علیه السلام احکام دین تغییر نمی کند؛ احتمال دارد به معنای اجرای احکامی باشد که پیش از ایشان اجرا نمی شده، یا برخی از احکام که عمل به آن تا زمان ظهور لازم نیست (مانند حرمت گرفتن سود از مؤمنین در خرید و فروش) و یا به تعبیر علامه مجلسی در *مرآة العقول* قضاوت امام بر اساس علم خود باشد که از موارد «امر جدید» به حساب آمده است.

غربت اسلام

غربت اسلام در زمان ظهور، معنای امر جدید را روشن تر می کند؛ اسلام غریبانه آغاز شد و باز هم غربت را تجربه خواهد کرد. یکی از این روایات، به غربت اسلام در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می کند:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ وَإِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ»^۱.

«غربت» به معنای کمی یاران است. همان طور که در ابتدای بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعداد مؤمنان و پیروان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اندک

۱. الغيبة (نعمانی)، باب ما روي أن القائم عليه السلام يستأنف دعاء جديدا وأن الإسلام بدأ غريبا و سيعود غريبا كما بدأ، ح ۱.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

بود، هنگام ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز تعداد کسانی که واقعاً مؤمن و در عمل ملتزم به ایمانشان باشند، کم خواهد بود؛ از این رو، دعوت امام برای مردم، جدید به نظر می‌رسد.

این مسئله سبب شد تا احمد سؤال دیگری مطرح کند: «این که اسلام در زمان ظهور گرفتار غربت شود یا ظلم همه بشریت را فرا بگیرد، با آماده‌سازی جامعه انسانی برای ظهور هماهنگ است؟» - سؤال مهمی است؛ جواب دقیقی هم دارد: فراگیری ظلم در جامعه بشری، شرط تحقق ظهور نیست؛ بلکه به بستر اجتماعی تحقق ظهور اشاره دارد. هرگاه جامعه آمادگی پذیرش هدایت الهی را داشته باشد، اعطاء از سوی پروردگار قطعی است؛ زیرا در ساحت قدس ربوبی هیچ‌گونه نقص و عیبی از جمله بخل، راه ندارد. فراگیری ظلم بدین معناست که در اثر ظلم اقلیتی ظالم، جان اکثریت بشریت به لبشان آید. آمادگی برای ظهور منجی در همین بستر روی می‌دهد؛ رسیدن به این مطلب که با وجود تمام مشکلات و سختی‌ها، خداوند متعال، منجی و مصلحی را ذخیره کرده است. در ابتدای ظهور اسلام، تعداد مسلمانان نسبت به دیگران که در منطقه جزیره العرب حضور داشتند، بسیار کم بود. در طول تاریخ، اسلام گسترش پیدا کرده و بر جمعیت مسلمانان افزوده شد. در ابتدای ظهور منجی نیز تعداد مسلمانان نسبت به دیگران کم خواهد بود.

بحث به جای خوبی رسیده بود. احساس کردم تلنگری

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

می توانست مؤثر باشد؛ برای همین پرسیدم: «آیا خود ما مسلمانان در غربت اسلام سهیم نیستیم؟ این که بر اساس برداشت های غلط، مردم ساده دل و بی خبر را جمع کنیم و گروهک ها و فرقه هایی را تشکیل دهیم، شکوه و عظمت مسلمانان را شکسته ایم؛ کاری که نتیجه ای جز غربت اسلام ندارد.»

و اما خواب!

تقریباً مسائل مهم را بحث کردیم. گفت و گو داشت به پایان می رسید. به احمد گفتم: «خواب چگونه ادعای شما را اثبات می کند؟»

بعد از سه روز روزه و توسل به حضرت زهرا علیها السلام یا چهل روز قرائت دعایی که از «یمانی» نقل شده، یکی از ائمه علیهم السلام به خواب می آید و به امامت «یمانی» اشاره می کند. از آنجا که شیطان نمی تواند به صورت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام درآید، سخن ایشان در خواب مانند بیداری است و باید قبول کنیم.

مقام عصمت در بیداری و خواب یکسان است؛ مانند خواب حضرت ابراهیم علیه السلام و همچنین رؤیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که در قرآن آمده است. اما افراد عادی همان طور که در بیداری گرفتار خطا می شوند، در خواب نیز این احتمال وجود دارد. ما قبلاً رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یا دیگر ائمه علیهم السلام را ندیده ایم؛ از کجا باید مطمئن شویم آن که در خواب دیده ام، واقعاً پیامبر یا یکی دیگر از معصومین است؟ در ضمن، جن و شیاطین می توانند خواب سازی کنند.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

خواب یکی از حالاتی است که برای انسان روی می‌دهد. چگونگی و انواع آن همیشه مورد توجه دانشمندان بوده است. برای نمونه، کراجکی^۱ به نقل از شیخ مفید^۲ انواع چهارگانه خواب را چنین بیان می‌کند:

۱. حدیث نفس و فکر کردن درباره چیزی؛ که به دیدن همان چیز در خواب منجر می‌شود.

۲. خوابی که در اثر وضعیت مزاجی انسان دیده می‌شود؛

۳. خوابی که لطف الهی است؛ در بردارنده تنبیه، تیسیر، اعدار و

انذار که طاعت و شکر خدا و دوری از معصیت را به همراه دارد.

۴. وسوسه‌ای از سوی شیطان برای این‌که انسان را محزون کند،

یا ایجاد شبهه‌ای در دین که انسان را هلاک سازد.^۲

اعتقادات و پیش‌فرض‌های ذهنی ما در خواب‌هایی که می‌بینیم،

تأثیر می‌گذارد. درباره شخص مسلمانی که به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام

راه یافته بود، گفته شده: قبلاً که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در خواب دیده

بود، خلیفه اول و دوم را همراه ایشان دیده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستور

به تبعیت از آن‌ها داده‌اند. چنین خوابی قطعاً باطل است و به این

معناست که شیطان به صورت پیامبر درآمده است.

بسیاری از خواب‌های ما همان است که در طول روز به آن فکر

می‌کنیم. یکی از دوستانم که در کار تجارت است، می‌گفت: «شب‌ها

۱. «ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی» از دانشمندان قرن چهارم و پنجم هجری

است. کنز الفوائد، مهم‌ترین اثر اوست.

۲. کنز الفوائد، ج ۲، ص ۶۰ و ۶۱.

راز پنجمان یافرب آشکار

گپ و گفنی با انصار احمد بصری

در خواب هم مشغول خرید و فروش هستیم. خواب می بینم که باید کدام جنس را بخرم یا کدام ارز را بفروشم!»

- روایت رسول خدا ﷺ چه می شود: «مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَأَى فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَشَبَّهُ بِي»؟

- کراچکی در این باره توضیح ارزشمندی دارد: «اگر انسان پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه عليهم السلام را در خواب ببیند، سه صورت پیدا می کند؛ خوابی که یقین دارم صحیح است، خوابی که یقین دارم باطل است، و خوابی که صحت و بطلانش محتمل است.» وی در ادامه این سه صورت را توضیح می دهد؛ درباره صورت دوم می گوید: «اگر در خواب، پیامبر یا امامی را ببینیم که از طاعت خدا نهی می کند یا دستور به معصیت می دهد و یا دعوت به امری باطل می کند، چنین خوابی حتماً باطل است.»^۱ برای نمونه، اگر پیامبر ﷺ را در خواب ببینیم که به ما دستور می هد انسانی را به قتل برسانیم؛ آیا مجاز به قتل او هستیم؟ اگر به این کار اقدام کردیم و به دست قانون افتادیم، آیا دادگاه چنین سخنی را از ما می پذیرد و ما را تبرئه می کند؟ یا اگر امام جعفر صادق عليه السلام را در خواب ببینیم و به ما دستور دهد که از فردا نماز صبح را سه رکعت اقامه کنیم، چطور؟ بنابراین، اگر بخواهیم به چنین خواب هایی ترتیب اثر دهیم، سنگ روی سنگ باقی نمی ماند. هر کسی می تواند با

۱. الأملی (طوسی)، ص ۳۲۴.

۲. کنز الفوائد، ج ۲، ص ۶۲.



راز پنهان یافرب اشکار

گپ و گفنی با انصار احمد بصری

استناد به خوابش، اعتقادی را مطرح یا دستوری را صادر کند. به همین جهت است که خواب در منابع معرفت دینی جایگاهی ندارد؛ یعنی دلیل یک اعتقاد یا مستند یک فتوای فقهی - حقوقی، خواب نیست.^۱

- استخاره هم یکی دیگر از راه‌های اثبات اعتبار «یمانی» است. در روایت آمده است: شخصی از صفوان بن یحیی از چگونگی اعتقادش به امام رضا علیه السلام پرسید. در جواب گفت: «صَلَّيْتُ وَ دَعَوْتُ اللَّهَ وَ اسْتَخَرْتُ عَلَيْهِ وَ قَطَعْتُ عَلَيْهِ.»^۲

- عجب! آیا مسئله علمی - اعتقادی با استخاره به سامان می‌رسد؟! این که به لطف خدا مسلمان و پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام هستیم، با استخاره حاصل شده؟ شیخ طوسی در کتاب الغیبه پس از نقل این روایت می‌گوید: «شخصیت صفوان بن یحیی^۳ اجل است از این که بخواهد درباره یک مسئله اعتقادی به استخاره استناد کند.» این روایت در هیچ کتاب دیگری وجود ندارد؛ بر فرض صحت آن، امری کاملاً شخصی است و نمی‌توان به عنوان یک راه معرفتی به دیگران سرایت داد.

۱. برای مطالعه بیشتر درباره جایگاه خواب در معرفت دینی می‌توان به کتاب خواب پریشان محمد شهبازیان مراجعه کرد.

۲. کتاب الغیبه، ص ۶۱.

۳. «ابو محمد صفوان بن یحیی بجلي کوفی» از اجلای اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام است و از «اصحاب اجماع» به حساب می‌آید.

راز پنجمان یافرب اشکار

گپ و گفنی با انصار احمد بصری

چرا تقلید؟

معلوم شد برای یک اعتقاد یا یک فتوای فقهی - حقوقی نمی توان به خواب و استخاره استناد کرد. آخرین موضوعی که باید بررسی می شد، مسئله «تقلید» بود. می دانستم «یمانی» یا بهتر است بگوییم کسی که خود را یمانی می پندارد، در این باره سخنان متناقضی دارد. موضع اخیر وی این است که: «ولایت فقیه و تقلید، بدعتند.» چرا معمولاً گروهک ها و فرقه ها با جریان تقلید، مرجعیت شیعه و ولایت فقیه مشکل دارند؟ جواب روشن بود؛ اما برای این که احمد نیز به مسئله توجه کند، توضیح مختصری ارائه کردم:

از آن جا که:

۱. انسان به صورت اجتماعی زندگی می کند؛
 ۲. نیازها و خواسته های متعددی دارد؛
 ۳. دانسته ها و توانمندی او برای رفع نیازهایش محدود است؛
- پس باید در بسیاری از کارها از نظر دیگران استفاده کند؛ از این رو، تقلید مسئله ای کاملاً عقلایی است.
- می رسیم به دین. دین مجموعه ای از اندیشه های هستی شناسانه و توصیه های عملی است. در جای خود تبیین شده که آفریدگار هستی بر اساس اسماء و صفاتش، رسیدن به کمال را برای انسان اراده کرده است. انسان برای رسیدن به کمال باید مسیری را طی کند. خدای حکیم برای طی کردن این مسیر، همراهانی را در نظر گرفته که همان پیامبران و اوصیای ایشان است. معارف و احکام

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

الهی از این راه به جامعه بشری منتقل می‌شود. به مرور زمان، علوم متعددی مربوط به معارف و احکام الهی تدوین شد؛ اما چون جامعه بشری استعدادها و سلیقه‌های متنوعی دارد، تلقی روش‌مندانه این علوم برای همگان ممکن نیست. اینجاست که تقلید، به‌ویژه در مسائل عملی، خودش را نشان می‌دهد. تقلید نه تنها بدعت نیست، بلکه تکلیفی است که از سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شیعیان تعیین شده است:

«... و أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ...»؛^۱ ... درباره رویدادهایی که واقع می‌شوند، به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ چراکه ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر ایشانم....

حال، «راویان حدیث» چه کسانی هستند؟ جواب این پرسش از سخنی از امام صادق علیه السلام فهمیده می‌شود:

«... مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا...»؛^۲ ... از شما کسی که حدیث ما را روایت کند، در حلال و حرام ما نظر کرده باشد و احکام ما را بشناسد، باید به حکمیتش رضایت بدهند؛ چراکه من چنین کسی را حاکم بر شما قرار دادم....

۱. کمال الدین و تمام النعمة، باب ذکر التوقعات الواردة عن القائم عليه السلام، ح ۴.

۲. الکافی، کتاب فضل العلم، باب اختلاف الحدیث، ح ۱۰.

راز پنهان یا فریب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

یعنی کسی که با نگاه عالمانه احکام را تحصیل کرده است. چنین فردی از سوی امام علیه السلام به عنوان «حاکم» معرفی شده است. در ادامه روایت، به نپذیرفتن حکم حاکم هشدار داده شده است:

«... فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشِّرْكِ بِاللَّهِ...»؛ ... پس اگر به حکم ما حکم کند و از او نپذیرد، حکم خدا را خفیف و ما را رد کرده است. کسی که ما را رد کند، خدا را رد کرده است و این در حد شرک به خداست....

بنابراین، اگر حاکم حکمی کند و از او پذیرفته نشود، به معنای خفیف کردن حکم الهی و رد کردن حجج الهی است که به فرمایش امام صادق علیه السلام به شرک منتهی می شود.

در روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام خصوصیات دیگر فقها بیان شده است:

«... فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ...»؛
فقیهی که از نفس خود صیانت کند، حافظ دین باشد، با خواسته های نفسانی خود مخالفت کند و مطیع مولای خویش باشد، چنین فقیهی صلاحیت دارد که مردم در امور دینی خود، از او تقلید کنند.

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

راز پنهان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

آنچه گفته شد توضیح مختصری دربارهٔ تقلید بود. اگر مجاهدت فقهای برجسته در طول تاریخ و نقش ایشان در محافظت از دین در برابر مستکبران دیده شود، آن گاه به خوبی فهمیده می شود: چرا وقتی این مسئلهٔ عقلایی، یعنی تقلید، به دین می رسد، برخی واکنش منفی نشان می دهند.

گفت و گوی ما به پایان رسید. مباحثهٔ ارزشمندی بود. امیدوارم مورد رضایت حضرت بقیة الله، صاحب العصر و الزمان - ارواحنا فداه - قرار بگیرد و ایشان به همهٔ ما عنایت ویژه بفرماید!

۱. درباره مسئله «تقلید» می توانید به کتاب نقش تقلید در زندگی انسان آیت الله مصباح یزدی رحمته الله علیه مراجعه کنید.

راز پنجان یافرب آشکار

گپ و گفتی با انصار احمد بصری

کتاب نامه

۱. الصدوق، محمد بن علی بن الحسین، ۱۴۲۲ق، **التوحید**، صححه و علق علیه: السيد هاشم الحسيني الطهراني، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة السابعة.
۲. _____، ۱۴۲۲ق، **کمال الدین و تمام النعمة**، عنی بتصحيحه و تحقیقه: الاستاذ علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الرابعة.
۳. _____، ۱۴۲۹ق، **الخصال**، صححه و علق علیه: علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الثامنة.
۴. الطوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۱ق، **کتاب الغيبة**، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، الطبعة الأولى.
۵. _____، ۱۴۱۴ق، **الأمالی**، قم، دار الثقافة، الطبعة الأولى.
۶. العاملي، محمد بن الحسن، ۱۴۱۳ق، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، بیروت، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الأولى.
۷. عسکری، سید مرتضی، ۱۳۸۹ش، **نقش ائمه در احیای دین**، قم، علامه عسکری، چاپ دوم.
۸. الکرآجکی، محمد بن علی بن عثمان، ۱۴۱۰ق، **کنز الفوائد**، حقه و علق علیه: العلامة الشيخ عبدالله نعمة، قم، دار الذخائر، الطبعة الأولى.
۹. الكليني، محمد بن يعقوب، ۱۴۳۰ق، **الكافي**، قم، دار الحديث للطباعة و النشر، الطبعة الثانية.
۱۰. المازندرانی، المولى محمد صالح، ۱۳۸۲ق، **شرح الكافي (الاصول والروضة)**، التعليق: الميرزا ابوالحسن الشعراني، طهران، المكتبة الاسلامية، الطبعة الأولى.
۱۱. المجلسي، محمد باقر، ۱۳۸۳ش، **بحار الأنوار**، تهران، المكتبة الكتابجي، چاپ پنجم.
۱۲. النعماني، محمد بن ابراهيم بن جعفر، ۱۳۷۶ش، **غيبات نعماني**، ترجمه: محمد جواد غفاری، تهران، صدوق، چاپ دوم.
۱۳. الهلالي، سليم بن قيس، ۱۴۰۵ق، **کتاب سليم بن قيس**، التحقيق: محمد باقر انصاری، قم، الهادي، الطبعة الأولى.
۱۴. النجاشي، احمد بن علی بن احمد، ۱۴۱۸ق، **رجال النجاشي**، التحقيق: السيد موسى الشيبيري الزنجاني، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة السادسة.